

DOI: [10.30512/KQ.2021.11668.2382](https://doi.org/10.30512/KQ.2021.11668.2382)

نقل به معنا و گونه‌های آن در «التبیان فی تفسیر القرآن»*

سید حسین موسوی دره بیدی^۱

امیر احمد نژاد^۲

چکیده

یکی از ویژگی‌های تفسیر «التبیان فی تفسیر القرآن» اثر شیخ طوسی، نقل روایات و اقوال تفسیری فریقین است. مؤلف در عمل به این ویژگی به یک روش عمل نکرده و در نقل روایات اهل بیت (ع) با تغییر یا حذف برخی واژگان روایت، بیشتر به موضوع اصلی آنها اشاره می‌کند. در نتیجه، روایات دچار آسیب‌هایی نظیر نقل به معنا، تقطیع و اختصار شده است. از سویی، نقش مرجع بودن این تفسیر در انتقال بسیاری از روایات به تفسیر «مجمع البیان» طبرسی و از آن به تفاسیر بعدی شیعه، بویژه تفاسیر روایی بر اهمیت این مسأله افزوده است. نوشتار حاضر، ضمن اشاره به دسته‌بندی نقل به معنا از نگاه پژوهشگران، به بررسی ابعاد و گونه‌های آن در تفسیر «التبیان» پرداخته و نشان داده است که برخی روایات در «التبیان» دچار نقل به معنا شده است. گونه‌های متنوعی از نوع جایگزینی، حذف و اضافه و جابجایی در سطح واژگان و جملات و گاه ترکیب آنها با دیگر عوارض حدیثی مشاهده می‌شود و فهم معنای روایت را بدون توجه به اصل روایات در مصادر دشوار ساخته است. نقل به معنا در برخی موارد، بویژه در روایاتی که مصادر آنها موجود نیست، موجب سلب اعتماد به آنها شده است.

واژگان کلیدی: روایت، شیخ طوسی، تفسیر، نقل به معنا، «التبیان» فی تفسیر القرآن.

* تاریخ ارسال: ۱۳۹۹/۰۳/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۱۲ (مقاله پژوهشی)

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (نویسنده مسئول) / mosavi15@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان / Ahmadnezhad@Itr.ui.ac.ir

۱- مقدمه و طرح مسأله

«التبیان» نخستین تفسیر جامع و اجتهادی شیعه است که پس از دوره تفاسیر روایی تألیف شد. تا قبل از «التبیان» تفاسیر شیعی به صورت کامل به تفسیر و بیان مفاهیم تمامی آیات قرآن نپرداخته‌اند. برخی تألیفات تفسیری همچون تفسیر علی بن ابراهیم قمی و ابوالنضر عیاشی به جمع و نقل روایات تفسیری و برخی دیگر مانند «حقایق التأویل فی متشابه التنزیل» اثر شریف رضی (م. ۴۰۶ ق) و «نفائس التأویل» اثر شریف مرتضی (م. ۴۳۶ ق) به صورت گزینشی به تفسیر آیات قرآن پرداخته‌اند.

تفسیر «التبیان» علی رغم اینکه بیشتر صبغه کلامی دارد، اما حجم زیادی از روایات اهل بیت (ع) و اقوال تفسیری صحابه، تابعین و مفسران متقدم در آن نقل شده است. در بررسی روایات التبیان این سئوالات به ذهن خطور می‌نماید که چه تغییراتی در روایات نقل شده در التبیان مشاهده می‌شود؟ آیا روایات التبیان فقط نقل به معنا شده یا تغییرات دیگری در روایات این تفسیر دیده می‌شود؟ دلایل تغییر روایات به ویژه نقل به معنا در التبیان چیست؟ آیا نقل به معنای موجود در روایات التبیان از منابع متقدم، از جمله تفسیر مغربی به این تفسیر منتقل شده یا شیخ طوسی خود، روایات را نقل به معنا کرده است؟

بررسی و تطبیق این روایات نشان می‌دهد که بسیاری از روایات با نسخه اصلی روایات در مصادر متقدم به لحاظ واژگان و ساختار روایت تفاوت دارد و دستخوش نقل به معنا^۲ و تقطیع^۳ شده است. به علاوه، برخی روایات به صورت اختصار^۳ یا گزارش‌های روایی نقل شده است. تا قبل از شیخ طوسی این شیوه نقل روایات در تألیفات قرآنی و مصادر روایی شیعه مشاهده نمی‌شود و اینگونه نقل روایت از شیخ طوسی که خود از محدثان بزرگ و از نویسندگان کتب اربعه حدیثی شیعه است، جای تأمل دارد. پیگیری نقل به معنا در «التبیان» با توجه به دو مسأله دارای اهمیت ویژه است: اولاً، شیخ طوسی حلقه واسطه بین اصول و مصنفات متقدم شیعه و تألیفات بعد از آنها می‌باشد، ثانیاً، بسیاری از روایات تفسیر «التبیان» به تألیفات متأخر به ویژه تفاسیر روایی همچون «مجمع البیان»، «فقه القرآن» راوندی، «الصافی»، «نور الثقلین»، «البرهان» و... منتقل شده است.

در پیجویی علل نقل به معنا در «التبیان» می‌توان به انگیزه نگارش تفسیر جامع و تقریبی، پرهیز از طولانی شدن مباحث و تألیف تفسیری موجز، دوری از حدیث‌گرایی صرف، در دسترس نبودن منابع روایی به خاطر آتش‌سوزی خانه و کتاب‌های شیخ طوسی در بغداد اشاره کرد. همچنین، نقل به معنا در برخی روایات «التبیان» به خاطر نقل آنها از تفسیر «المصابیح» وزیر مغربی است که یکی از منابع «التبیان» می‌باشد. مغربی در نقل روایات نبوی، احادیث ائمه (ع)، اقوال صحابه و مفسران و حتی دیگر اندیشمندان، همواره

۱. نقل به معنا: حدیث با الفاظی که خود راوی برگزیده است نه براساس آنچه که از شیخ شنیده است. تعریف کاملتر در همین نوشتار آمده است.

۲. تقطیع: «قطعه قطعه کردن حدیث و آوردن تنها قطعه‌ای از آن، جدای از قسمت‌های دیگر، در باب متناسب است» (عاملی، ۱۴۰۸، ص ۳۱۹).

۳. اگرچه مرحوم مامقانی تقطیع و اختصار را به یک معنا گرفته است: «روایة بعض الحدیث الواحد دون بعض» (مامقانی، ۱۴۲۸، ج ۲، ص ۳۰۰)، اما نظر نگارنده از اختصار در این پژوهش، خلاصه کردن متن روایات است، یعنی شیخ طوسی قسمت‌هایی از روایت را حذف و موضوع اصلی روایت را ذکر کرده است.

معنا و مضمون جمله مورد نظر را نقل می‌کند و نقل به معنا ویژگی عمومی آن شناخته می‌شود (کریمی‌نیا، ۱۳۹۴، ص ۱۷۵).

۲- پیشینه تحقیق

در موضوع روایات «التبیین» دو پایان نامه ارشد با عناوین «سبک‌شناسی تفسیر تبیان در تعامل با روایات تفسیری» نگاشته محمد کاظمی و به طور خاص، در روایات اهل سنت «نقش و جایگاه اخبار صحابه و تابعان در تفسیر التبیین شیخ طوسی» نوشته علی امیری انجام گرفته است. نیز، مقالات «نحوه استفاده شیخ طوسی از روایات در التبیین» اثر خانم سمیه خلیلی و «اختلاف قرائت یا تحریف قرآن، نگاهی به نقل روایات شیعه در تفسیر التبیین» تألیف دکتر مرتضی کریمی‌نیا به کار بست روایات در «التبیین»، «روایات در تفسیر التبیین» اثر حسن رهبری و «حدیث‌های خیالی در مجمع البیان و التبیین» اثر مرتضی عابدینی به آسیب-شناسی روایات تفسیری پرداخته‌اند. رساله دکتری «وزیر مغربی و روش‌شناسی تفسیری المصباح» نگاشته دکتر مرتضی کریمی‌نیا نیز برخی روایات «التبیین» را که از تفسیر مغربی نقل شده، بررسی کرده است. با توجه به دسته‌بندی‌های صورت گرفته در نقل به معنا توسط حدیث‌پژوهان متأخر، گونه‌های مختلف این پدیده در تفسیر «التبیین» مشاهده می‌شود. جایگزینی، جابجایی، حذف و اضافه از مهمترین گونه‌های نقل به معنا در سطح واژگان و جمله است. تنوع نقل به معنا در این تفسیر زیاد و به صورت انفرادی و ترکیب گونه‌ها با هم نیز وجود دارد. در این پژوهش، علاوه بر شناسایی انواع نقل به معنا با توجه به روایات جواز نقل به معنا، گونه‌های خاصی از آن همچون نقل به معنا و تقطیع، گستردگی نقل به معنا در یک روایت، ترکیب روایات، همراه با نقل به معنا و اختصار روایت استخراج شده است.

۳- نگاهی گذرا به نقل به معنا

قبل از بیان نقل به معنا در حوزه حدیث، باید بدانیم که نقل کردن سخنان یک فرد با واژگانی دیگر که همان معنای مورد نظر او را برساند، از ویژگی‌های معمول هر زبان می‌باشد و در بردارنده اثرات خاص بر مفهوم و منظور گوینده است. از آنجا که حافظه افراد در ثبت و ضبط سخنان و کلام دیگران متفاوت است، به ناچار در بازگویی این سخنان، نقل به معنا امری گریزناپذیر و در سیره عقلای جامعه، امری قابل پذیرش است (مهریزی، ۱۳۷۵، ص ۴۵)، اما نقل دقیق و کامل کلام انسان‌هایی که سخنانشان حجیت شرعی دارد، به صورت جدی‌تر مطرح می‌شود.

حدیث‌پژوهان متقدم، بدون ذکر تعریفی خاص از نقل به معنا، آن را روایت حدیث با معنای دیگر و جواز آن را آگاهی به معنا و مقصود الفاظ و تفاوت آنها دانسته‌اند (خطیب بغدادی، بی‌تا، ص ۱۹۸/ ابن صلاح، ۱۴۲۳، ص ۳۲۲/ شهید ثانی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۳۱۰/ مامقانی، ۱۴۲۸، ج ۲، ص ۲۷۸). نقل به معنا در تعریفی دقیق و جامع‌تر، تصرف در لفظ حدیث است به گونه‌ای که در کل یا بخشی از حدیث، تعبیر جدیدی جایگزین تعبیر اصلی شده باشد، به شرط آنکه مدلول حدیث به طور نسبی محفوظ بماند و تصرف صورت گرفته، مبتنی بر نوعی ارتباط معنایی و نه شنیداری یا نوشتاری باشد (پاکتچی، ۱۳۹۴، ص ۳۱). این تعریف،

تغییرات ناشی از شباهت در حروف و نحوه کتابت را که منجر به تصحیف و تحریف می‌گردد، از دایره بحث خارج می‌کند.

پذیرش نقل به معنا در روایات از موضوعات بحث برانگیز بوده و حدیث‌پژوهان در رویارویی با آن سه دیدگاه کلی ارائه کرده‌اند: ۱. عده‌ای جواز آن را به صورت مطلق پذیرفته‌اند؛ ۲. گروه اندکی از اهل سنت، عدم جواز آن را به صورت مطلق پذیرفته‌اند و ۳. بیشترین اندیشمندان اسلامی، آن را با رعایت شرایطی پذیرفته‌اند^۱ (مامقانی، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۲۷۸/دلبری، ۱۳۸۹، ص ۷۰).

نقل به معنا از جمله مباحث پیرامونی حوزه حدیث است که سابقه آن به صدر اسلام و نقل روایات پیامبر (ص) می‌رسد و از همان روزهای آغازین اسلام مطرح و به صورت جدی، مورد توجه و سؤال اصحاب و شاگردان اهل بیت (ع) بوده است. نمونه‌هایی از مخالفت‌های اصحاب به افرادی که واژگان روایات را با ذهنیت ترادف واژه‌ها عوض می‌کردند، بر پیشینه تاریخی نقل به معنا دلالت دارد (خطیب بغدادی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۷۳). متخصصان علوم حدیث در شکل‌گیری این پدیده در روایات، علت‌های زیادی بر شمرده‌اند. سهم عمده‌ای از این علت‌ها مربوط به وقایع تاریخی است و بخشی نیز به راویان و اصحاب معصومین برمی‌گردد و مباحث مهمی نزد متخصصان حدیث به خود اختصاص داده است (حسینی الجلالی، ۱۴۱۸، صص ۵۱۴-۵۱۶).

۳-۱- دلایل نقل به معنا در «التبیان»

علاوه بر علت‌های عمومی نقل به معنا، دلایل خاصی در نقل به معنای روایات «التبیان» دخالت دارد. در بررسی علل وجود نقل به معنا و تقطیع در روایات «التبیان» می‌توان آنها را در دو دسته مربوط به «انگیزه مؤلف» و «فضای تألیف» جستجو کرد. از جمله دلایل انگیزشی و ذهنی مؤلف می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف: هدف‌گذاری شیخ طوسی برای نگارش یک تفسیر جامع با ویژگی ایجاز و اختصار که در مقدمه «التبیان» به آن اشاره کرده است: «و من به خواست خدای متعال، نوشتن تفسیری به صورت مفید و مختصر را آغاز می‌نمایم و از هر کدام از رشته‌های قرآنی در آن می‌آورم و نه چنان زیاده‌گویی می‌کنم که خواننده آن، دلزده شود و نه چنان کوتاه و کم می‌نویسم که دچار سردرگمی در فهم شود.» (طوسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲):

ب: دیدگاه تسامح در روایات تفسیری بر خلاف روایات فقهی. این دیدگاه بر دقت مفسر در نقل روایات فقهی به لحاظ متن و سند مؤثر است. مقایسه برخی روایات مشابه نقل شده در «التبیان» و «التهذیب» این موضوع را به خوبی نمایان می‌سازد. برای نمونه، شیخ طوسی در تفسیر آیه اول سوره انفال پس از نقل آراء مفسران در تعریف انفال، این روایت را نقل کرده است: «رُوی عن ابي جعفر و ابي عبد الله عليهما السلام:

۱. آشنایی راوی به جایگاه الفاظ و معانی وضع شده آن و قرائن دال بر خلاف آنها، آشنایی با ویژگی‌های زبان صدر حدیث، رساندن معنای حدیث به صورت کامل و... از جمله این شروط است (سیوطی، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۳۲/مامقانی، ۱۴۲۸، ص ۲۱۹/حسینی جلالی، ۱۴۱۸، ص ۵۰۸).

إِنَّ الْأَنْفَالَ كُلُّ مَا أُخِذَ مِنْ دَارِ الْحَرْبِ بِغَيْرِ قِتَالٍ إِذَا انْجَلَى عَنْهَا أَهْلُهَا» (طوسی، بی تا، ج ۵، ص ۷۲). مضمون همین روایت در باب (الانفال) کتاب «تهذیب الأحکام» آمده است: «وَعَنْهُ عَنْ حَمَادٍ عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قُلْتُ لَهُ مَا يَقُولُ اللَّهُ يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ قَالَ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ ص وَ هِيَ كُلُّ أَرْضٍ جَلَا أَهْلُهَا مِنْ غَيْرِ أَنْ يُحْمَلَ عَلَيْهَا بِخَيْلٍ وَ لَا رِجَالٍ وَ لَا رِكَابٍ فَهِيَ نَفْلٌ لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ ص» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۳۲). در این روایت جایگزینی و جابجایی واژگان و جمله رخ داده است. (برای مطالعه موارد بیشتر نک. طوسی، بی تا، ج ۱، ص ۲۶۰ و ج ۲، ص ۱۰۸ و ج ۳، ص ۴۴۴ و ج ۵، ص ۶۲ و ج ۸، ص ۳۱۸)

از جمله دلایل مربوط به فضای تألیف «التبیان» موارد زیر است:

الف: شرایط سیاسی و اجتماعی بغداد که پس از حمله طغرل بیک سلجوقی به شهر بغداد منجر به فشار و هجوم بر شیعیان، آتش زدن کتابخانه‌های شیعی و خانه شیخ طوسی شد و مصادر وی از بین رفت (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۹، ص ۶۳۷ و ج ۱۰، ص ۷). به نظر می‌رسد، این اتفاقات می‌توانسته نظر وی را بر تألیف تفسیری تقریبی مصمم‌تر کند. از جمله شرایط مشابه این است که حدود نیم قرن قبل از شیخ طوسی، زندگی برای خاندان شیعی وزیر مغربی، چنان دشوار می‌شود تا جایی که مغربی، اسم صادقین (ع) را در نقل روایات به صراحت نمی‌برد، بلکه از کنیه آنها استفاده می‌کند (کریمی‌نیا، ۱۳۹۴، ص ۳۸۰) و همین رویه به همراه ویژگی‌های دیگر به «التبیان» منتقل می‌شود؛

ب: در دسترس نبودن منابع و مصادر و تکیه بر حافظه نیز از دلایل عمومی نقل به معنا در کتاب‌های روایی است که در مورد «التبیان» با هجرت شیخ طوسی به شهر نجف تقویت می‌شود؛
ج: انتقال روایات نقل به معنا شده از تفسیر «المصابیح» به «التبیان» که در بخش بعدی بررسی می‌گردد.

بیان این نکته ضرورت دارد که اگرچه دلایل مذکور بر همه روش‌های نقل روایات در «التبیان» مؤثر بوده است، اما نقل به معنا نیز یکی از این روش‌هاست. در اینجا به صورت گذرا به این دلایل اشاره شد، اما بررسی و تبیین این دلایل، نیاز به پژوهش مستقلی دارد.

۳-۱-۱- ارتباط «التبیان» و تفسیر «المصابیح» در نقل به معنا

از جمله منابع مورد توجه و استفاده شیخ طوسی در تفسیر «التبیان»، کتاب «المصابیح فی تفسیر القرآن العظیم» اثر دانشمند شیعی، ابوالقاسم الحسین بن علی بن الحسین معروف به وزیر مغربی (۳۷۰-۴۱۸ ق) است (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۶۹). وی ادیب، شاعر، لغوی، سیاستمدار و وزیر در حکومت‌های مختلف فاطمی، بویه‌ای بوده و از جایگاهی قابل توجه در سیر تاریخ تفسیر شیعه برخوردار است. نام مغربی ۵۸ بار در «التبیان» تکرار شده است.^۱ از این نقل‌ها ۵ مورد روایت تفسیری و ۵۳ مورد، نقل اقوال تفسیری و ادبی

۱. برای نمونه، نظرات مغربی در «التبیان» ر.ک: ج ۱، صص ۴۸، ۵۹، ۱۲۹، ۲۸۱ و ج ۲، صص ۲۷۵، ۳۴۸، ۳۷۴ و ج ۳، صص ۲۲، ۳۱، ۱۰۴.

مغربی است، اما روایاتی در «التبیان» نقل شده که با جستجو و تطبیق واژگان نشان می‌دهد، فقط از «المصابیح» نقل شده و شیخ طوسی هنگام نقل آنها، نامی از مغربی نبرده است.

روش شیخ طوسی در نام بردن از مصادر شیعی مورد استفاده در «التبیان» بدین شکل است که نام آنها را ذکر نکرده و به عنوان کلی «اخبارنا، اصحابنا، تفاسیرنا و فی تفسیر اهل البیت (ع)» بسنده کرده است. تطبیق روایات نشان می‌دهد که شیخ طوسی به غیر از «المصابیح» از مصادر روایی مثل «تفسیر قمی» و «عیاشی» استفاده کرده است، اما این روایات در «التبیان» دچار تغییرات شده و عیناً، مطابق این مصادر نقل نشده‌اند و نقل به معنا در آنها مشاهده می‌شود.^۱ در این میان جایگاه «المصابیح» به چند دلیل ویژه است: اولاً، شیخ در میان مصادر شیعی فقط دو بار از «تفسیر قمی» نام برده، در حالی که ۵۸ بار واژه «المغربی» را تکرار کرده است، ثانیاً، روش مغربی مثل «التبیان» در نقل روایات، اشاره به مضمون، اختصار و نقل به معناست و ثالثاً، برخی روایات عیناً، مطابق واژگان «المصابیح» در «التبیان» نقل شده است.^۲ با توجه به موارد سه‌گانه بالا، بررسی نقش «المصابیح» در انتقال روایات نقل به معنا شده به «التبیان» جدی‌تر است.

در بررسی ۶۵ روایت نقل شده «المصابیح» در تفسیر سور حمد و بقره (یک سوم المصابیح) و مقایسه آنها در «التبیان» آمار زیر به دست آمد:

تعداد کل روایات در المصابیح	انتقال به «التبیان»	عدم انتقال به «التبیان»	نقل به معنا شده و راه‌یافته به «التبیان»	انتقال به «التبیان» بدون نقل به معنا
۶۵	۴۴	۲۱	۱۵	۲۹
%۱۰۰	%۶۸	%۳۲	%۳۵	%۶۵
مجموع	۶۵	۴۴		

شیخ طوسی در نقل ۲۹ روایت مشابه در «المصابیح»، آنها را با تغییر و تفاوت‌هایی نسبت به «المصابیح» نقل کرده و احتمالاً، در نقل آنها به مشابه این روایات در دیگر تفاسیر شیعه و تفسیر طبری توجه داشته است. قابل توجه است که تعداد منقولات روایی با نام یا کنیه اهل بیت (ع) در «المصابیح» قابل توجه است،^۳ چرا که شباهت کنیه‌ای بین معصوم و غیر معصوم وجود دارد و بررسی این موضوع، نیاز به پژوهش مستقلی دارد. همچنین، نسخه موجود «المصابیح» تا پایان سوره اسراء است و معلوم نیست که آیا همین

۱. نمونه‌هایی از این تطبیق در بررسی گونه‌های نقل به معنا در همین نوشتار بررسی شده است.

۲. به غیر از تفسیر مغربی، «جامع البیان» تنها تفسیری است که روایات آن بدون تغییر و یا با کمترین تغییر در «التبیان» نقل شده است. روایات پیامبر (ص) و صحابه و تابعین از این دست است.

۳. مجموعه منقولات وزیر مغربی از ابوجعفر، بالغ بر ۲۰۰ روایت می‌شود. ویژگی مشترک در اغلب این منقولات، غلبه نقل به معنا در آنهاست. روایات امام ششم نیز به بیش از ۳۵ مورد می‌رسد (کریمی نیا، ۱۳۹۴، صص ۱۸۵ و ۲۱۸).

نسخه فعلی یا تمامی «المصابیح» در دسترس شیخ بوده است؟ به هر حال، وی سبک نقل روایات «المصابیح» و از جمله نقل به معنا را در دیگر روایاتی که خود از مصادر دیگر شیعی نقل می‌کند، نیز به کار بسته است.

حدود یک قرن بعد از تألیف «التبیان»، طبرسی از «التبیان» در نگارش «مجمع البیان» بهره می‌گیرد و برخی از این روایات نقل به معنا شده از این تفسیر به «مجمع البیان» منتقل می‌گردد و در مرحله بعد، دیگر تفاسیر روایی شیعه همچون «کنز الدقائق و بحر الغرائب» مشهدی، «نور الثقلین» عروسی حویزی، «البرهان» بحرانی، «الصادق» فیض کاشانی به نقل همین روایات از «مجمع البیان» پرداخته‌اند. بنابراین، منبع برخی از روایات نقل شده در این تفاسیر روایی دوره متأخر، «التبیان» و بالتبع، «المصابیح» است و حال آنکه صاحبان آنها این روایات را از «مجمع البیان» نقل می‌کنند.

ذکر شواهدی از نقل روایات «المصابیح» در «التبیان» این موضوع را روشن‌تر می‌کند:

الف: شیخ طوسی ذیل آیه: ﴿وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّأْنَا مِنْكَ يَا رَبِّهِمْ اللَّهُ أَعْمَالُهُمْ حَسْرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ﴾ (بقره: ۱۶۷/۲) در معرفی کسانی که با مشاهده اعمالشان دچار حسرت می‌شوند، روایتی نقل کرده است: «رُوِيَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) أَنَّهُ قَالَ: هُوَ الرَّجُلُ يَكْتَسِبُ الْمَالَ وَلَا يَعْمَلُ فِيهِ خَيْرًا، فَيَرْتُهُ مَنْ يَعْمَلُ فِيهِ عَمَلًا صَالِحًا، فَيَرَى الْأَوَّلَ مَا كَسَبَهُ حَسْرَةً فِي مِيزَانٍ غَيْرِهِ» (طوسی، بی تا، ج ۲، ص ۶۹). می‌توان گفت، مصدر شیخ طوسی در نقل این روایت، تفسیر مغربی بوده است، زیرا این روایت فقط با تفاوت واژه «فیری» به جای «فیرته» در تفسیر مغربی ذیل آیه ۱۶۷ بقره نقل شده است (وزیر المغربی، ۱۴۲۱، ص ۱۹۹) و اختلاف این دو واژه نیز احتمالاً به نگارش ناسخان این دو تفسیر در نسخه خطی برمی‌گردد. این روایت نیز در «مجمع البیان» دقیقاً مطابق با واژگان «التبیان» نقل شده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۴۸۵) و دوباره در تفاسیر «کنز الدقائق» (قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۲۱۶)، «نور الثقلین» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۵۲) و «البرهان» (بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۷۰) به نقل از «مجمع البیان» نقل شده است. این روایت در مصادر متقدم، اینگونه نقل شده است: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي قَوْلِ اللَّهِ ﴿كَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسْرَاتٍ عَلَيْهِمْ﴾ قَالَ: هُوَ الرَّجُلُ يَدْعُ الْمَالَ لَا يُنْفِقُهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ بُحْلًا ثُمَّ يَمُوتُ فَيَدْعُهُ لِمَنْ هُوَ يَعْمَلُ بِهِ فِي طَاعَةِ اللَّهِ أَوْ فِي مَعْصِيَتِهِ، فَإِنْ عَمِلَ بِهِ فِي طَاعَةِ اللَّهِ رَأَهُ فِي مِيزَانٍ غَيْرِهِ فَزَادَهُ حَسْرَةً وَقَدْ كَانَ الْمَالَ لَهُ، أَوْ مَنْ عَمِلَ بِهِ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ قَوَاهُ بِذَلِكَ الْمَالِ حَتَّى أَعْمَلَ بِهِ فِي مَعَاصِي اللَّهِ.» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۷۳/کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۴۲).

ب: شیخ طوسی در ذیل آیه: ﴿أُولَئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ﴾ (بقره: ۲۰۲/۲)، در توضیح نحوه رسیدگی به حساب بندگان روایت ذیل را نقل کرده است: «رُوِيَ عَنْ عَلِيٍّ (ع) أَنَّهُ قَالَ: مَعْنَاهُ إِنَّهُ يُحَاسِبُ الْخَلْقَ دَفْعَةً كَمَا يَرِزُقُهُمْ دَفْعَةً.» (طوسی، بی تا، ج ۲، ص ۱۷۴) این روایت در تفسیر المصابیح نقل شده است. در نسخه زهرانی، لفظ «رَزَقَهُمْ» آمده و در مصادر متقدم عامه و خاصه پیدا نشد و احتمالاً نقل به معنا شده‌ی این روایت است که در «نهج البلاغه» و «امالی» آمده است: «وَسُئِلَ (ع) كَيْفَ يُحَاسِبُ اللَّهُ الْخَلْقَ عَلَى كَثْرَتِهِمْ فَقَالَ (ع) كَمَا يَرِزُقُهُمْ عَلَى كَثْرَتِهِمْ فَيَقِيلُ كَيْفَ يُحَاسِبُهُمْ وَلَا يَرُونَهُ»

فَقَالَ عَ كَمَا يَرْزُقُهُمْ وَلَا يَرُؤُهُ» (شریف رضی، ۱۴۰۴، ص ۵۲۸ / شریف مرتضی، ۱۴۳۱، ج ۱، ص ۱۴۸). این روایت ابتدا در «مجمع البیان» نقل شده (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۵۲۲) و از آنجا به تفاسیر روایی متأخر راه یافته است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۳۸ / عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۰۰ / بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴۳۶ / مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۲۹۹).

۴. گونه‌های نقل به معنا در «التبیان»

حدیث پژوهان متقدم، بیشتر اصل موضوع نقل به معنا و شرایط آن را تبیین کرده‌اند، اما پژوهشگران علوم اسلامی، امروزه به شناسایی انواع نقل به معنا پرداخته‌اند. از جمله، پاکتچی با توجه به سیر تاریخی نقل به معنا، مباحث جدید زبان‌شناسی و معناشناسی، تقسیم‌بندی متنوع و گسترده‌ای در گونه‌های نقل به معنا ارائه نموده که در شناسایی اصل روایات و فهم بهتر معنای آن کمک می‌کند. ایشان نقل به معنا را به دو دسته کلی مسائل هم‌ارزی در سطح واژه و در سطح جمله تقسیم کرده است:

الف: گونه‌های هم‌ارزی در سطح واژه شامل روابط صرفی در گشتار بین واژگان (مصادر، صفات مشتق، ثلاثی مزید، جمع و مفرد و...)، روابط معنایی (ترادف، مجاورت، مشابهت، تباین و...)، روابط نحوی (معرفه و نکره، علم و اضافه و...)، روابط تحقیقی - کاربردی (در حوزه واژه قاموسی و اصطلاح) و روابط تاریخی (گشتار قدیم و جدید، عربی کهن و عربی کلاسیک، عربی قرآنی و کلاسیک و...) می‌شود.

ب: گونه‌های هم‌ارزی در سطح جمله نیز شامل گشتارهای نحوی - شکلی (ساخت کلی جمله، معلوم و مجهول، شرط، حصر و...)، گشتارهای معنایی خاص (نفی در نفی، شمول، استلزام، تداعی و...)، گشتارهای نشانه‌شناختی (جایگاه ناقل در روایت، گشتار میان بافت و اصل کلام و الگوی تخیل و صورت‌بندی آن) است (پاکتچی، ۱۳۹۴، صص ۷-۱۴). این تقسیم‌بندی دارای تنوع است و می‌تواند تمامی ابعاد و زوایای مرتبط با متن و معنای روایات را در بر گیرد.

یکی از دسته‌بندی‌های دیگر را نیز می‌توان از روایاتی که در جواز نقل به معنا نقل شده است، استخراج کرد. اصحاب اهل بیت (ع) در نوع سؤالاتی که در نقل احادیث از آن بزرگواران داشته‌اند، به گونه‌هایی از نقل به معنا اشاره کرده‌اند. با استخراج این موارد می‌توان آن را اولین گونه‌شناسی نقل به معنا به حساب آورد. در این درخواست‌ها به جایگزینی کلمات مترادف، کم و زیاد کردن واژه (حذف و اضافه) و جابجایی کلمات (تقدیم و تأخیر) اشاره شده است.^۲ ملاک ما در بررسی گونه‌های نقل به معنا در «التبیان»، همین دسته‌بندی می‌باشد.

۱. نمونه‌های بیشتر: ج ۱، ص ۳۲۲ و ج ۳، ص ۲۸۵ و ج ۴، ص ۱۶۷، ۱۷۷ و ج ۴، ص ۱۷۷ و ج ۵، ص ۶، ۲۴۴.

۲. این دسته بندی از روایات زیر قابل استخراج است: الف: جایگزینی کلمات مترادف (شایع‌ترین مصداق نقل به معنا): «نَقْلًا مِنْ كِتَابِ مَدِينَةِ الْعِلْمِ عَنْ أَبِيهِ... قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ أَسْمَعُ الْحَدِيثَ مِنْكَ فَالْعَلِي لَا أَرُؤِيهِ مَا سَمِعْتُهُ فَقَالَ إِنْ أَصَبْتَ فِيهِ فَلَا بَأْسَ إِنَّمَا هُوَ بِمَنْزِلَةِ تَعَالَى وَهَلْمٌ وَافْعُدْ وَاجْلِسْ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۱۶۱)، ب: کم و زیاد کردن واژه (حذف و اضافه): کلینی به اسناد خود از محمد بن مسلم روایت می‌کند: «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ أَسْمَعُ الْحَدِيثَ مِنْكَ فَأَرِيدُ وَأَنْقُصُ قَالَ إِنْ كُنْتَ تَرِيدُ مَعَانِيَهُ فَلَا بَأْسَ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۵۱). در مجامع حدیثی اهل سنت نیز این گونه‌ی نقل به معنا از پیامبر (ص) روایت گردیده است: «مَنْ كَذَبَ عَلَيَّ مُتَعَمِّدًا فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَهُ بَيْنَ عَيْنَيْ جَهَنَّمَ، قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، نُحَدِّثُ

ابتدا نمونه‌های نقل به معنا در سطح واژه و جمله بررسی می‌شود و در ادامه، به ترکیب انواع نقل به معنا در یک روایت و نقل به معنایی که در ترکیب با دیگر عوارض حدیثی مانند تقطیع، اختصار و تداخل روایات همراه شده، پرداخته می‌شود.

۴-۱-۱- نقل به معنا در سطح واژگان

از آنجا که اولین رکن تشکیل دهنده جمله، واژگان آن می‌باشد، ما در ابتدا واژگان نقل به معنا شده در روایات التبیین و روایات مشابه در دیگر منابع را مورد بررسی قرار داده و به دسته بندی این نقل به معنا در سطح واژگان می‌پردازیم.

۴-۱-۱- جایگزینی واژگان مترادف

الف: در ذیل آیه ﴿يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾ (اعراف: ۳۱/۷) در تفسیر برگرفتن زینت، این روایت را نقل نموده است: «رُوي عن أبي جعفر (ع) أَنَّهُ قَالَ فِي الْجُمُعَاتِ وَالْأَعْيَادِ» (طوسی، بی تا، ج ۴، ص ۳۸۶). این روایت در مصادر متقدم اینگونه نقل شده است: «عَنْ الْمَحَامِلِيِّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي قَوْلِ اللَّهِ: «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» قَالَ الْأَزْدِيُّ فِي الْعِيدَيْنِ وَالْجُمُعَةِ» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۳) و با اندکی تفاوت (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۳۲۴). در اینجا نقل به معنا با جایگزینی واژه مفرد از نوع عدد صورت گرفته است و واژه «الجمعه» به جای واژه جمع «الجمعات»، و واژه «الاعیاد» به جای واژه تثنیه «العیدین» جایگزین شده است. همچنین، دو واژه در روایت «التبیین» جایجا شده است.

ب: در تفسیر آیه ﴿سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا﴾ (فتح: ۲۳/۴۸) پس از تبیین معنای سنت به این روایت استشهاد جسته است: «قَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مَنْ سَنَّ سُنَّةً حَسَنَةً فَلَهُ أَجْرُهَا وَ أَجْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا وَ مَنْ سَنَّ سُنَّةً سَيِّئَةً فَعَلَيْهِ إِثْمُهَا وَ إِثْمُ مَنْ مِنْ عَمِلَ بِهَا» (طوسی، بی تا، ج ۹، ص ۳۳۱). این روایت در مصادر عامه و خاصه نقل شده است: «... عَنِ الْمُنْدَرِبِيِّ بْنِ جَرِيرٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: مَنْ سَنَّ فِي الْإِسْلَامِ سُنَّةً حَسَنَةً، كَانَ لَهُ أَجْرُهَا وَ أَجْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا مِنْ بَعْدِهِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُنْتَقَصَ مِنْ أَجْرِهِمْ شَيْءٌ، وَ مَنْ سَنَّ فِي الْإِسْلَامِ سُنَّةً سَيِّئَةً، كَانَ عَلَيْهِ وَرْزُهَا وَ وِرْزُ مَنْ عَمِلَ بِهَا مِنْ بَعْدِهِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُنْتَقَصَ مِنْ أَوْزَارِهِمْ شَيْءٌ» (ابن حنبل، ۱۴۱۶، ج ۳۱، ص ۴۹۴) با اندکی تفاوت (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۱۰، ص ۳۱۹۰). در مصادر شیعه در ضمن یک روایت، امام ششم (ع) از پیامبر نقل فرموده‌اند: «عَنْ فَضِيلِ بْنِ عِيَاضٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْجِهَادِ سُنَّةً أَمْ فَرِيضَةٌ... وَ قَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

عَنْكَ بِالْحَدِيثِ نَزِيدٌ وَنَقِصٌ؟ فَقَالَ: لَيْسَ ذَلِكَ أَعْيُنُكُمْ، إِنَّمَا أَعْيُنِي الَّذِي يَكْذِبُ عَلَيَّ، مُتَّحِدًا يَطْلُبُ بِهِ سَبِيحَ الْإِسْلَامِ...» (متقی هندی، ۱۴۰۱، ج ۱۱۰، ص ۲۳۶)، ج: جابجایی کلمات (تقدم و تاخیر): از پیامبر (ص) نقل شده است: «لَا بَأْسَ فِي الْحَدِيثِ قَدِّمْتَ فِيهِ أَوْ أَخَّرْتَ، إِذَا أَصَبْتَ مَعْنَاهُ». (متقی هندی، ۱۴۰۱، ج ۱۰، ص ۲۳۳) همچنین سیوطی در نقلی به این نوع اشاره نموده است: «عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: قَالَ حُدَيْفَةُ: إِنَّا قَوْمٌ عَرَبٌ نُرَدُّ الْأَحَادِيثَ فَنَقْدُمُ وَنُؤَخِّرُ» (سیوطی، بی تا، ج ۱، ص ۵۳۵).

وَ آلِهِ مَنْ سَنَّ سُنَّةً حَسَنَةً فَلَهُ أَجْرُهَا وَ أَجْرُ مَنْ عَمَلَ بِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُنْقَصَ مِنْ أَجْرِهِمْ شَيْءٌ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۹ / ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۴۰). این روایت در مصادر با الفاظ مترادف و حذف و اضافه‌های متنوع نقل شده است (جصاص، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۵۰ / طبرانی، ۲۰۰۵، ج ۵، ص ۲۷۵ / برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۷ و...). در روایت «التبیین»، جایگزینی و حذف در سطح واژه و جمله اتفاق افتاده است. نمونه‌های جایگزینی: ج ۱، ص ۵ و ج ۲، ص ۳۱ و ج ۳، ص ۴۴۳ و ج ۴، ص ۱۷۳ و ج ۵، ص ۳۹۷ و ج ۹، ص ۳۷۸. نمونه‌های جایگزینی با حذف واژه: ج ۱، ص ۱۳۱ و ج ۲، ص ۴۵ و ۲۷۶ و ج ۳، ص ۲۰۶ و ج ۶، ص ۱۰۶.

۴-۱-۲- جابجایی یا تقدیم و تأخیر

الف: در ذیل آیه: ﴿وَ عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (بقره: ۳۱ / ۲) شیخ طوسی با اشاره به نظر صاحب «العین» به بحث ریشه و اشتقاق «أَنْبِئُونِي» از ریشه «نبا» مهموز پرداخته و اشاره می‌کند که ریشه نبوت اگر از «انباء» باشد، مهموز است. سپس، برای صحت این مطلب، به این روایت استشهاد جسته است: «رُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ (ص) أَنَّهُ قَالَ: لَا تَنْبِئُ بِأَسْمِي، لِرَجُلٍ قَالَ لَهُ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ» (طوسی، بی تا، ج ۱، ص ۱۳۷). این روایت در مصادر متقدم عامه و خاصه نقل شده است: «عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ أَعْرَابِيٌّ لِرَسُولِ اللَّهِ ص السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ قَالَ لَسْتُ بِنَبِيِّ اللَّهِ وَ لَكِنِّي نَبِيُّ اللَّهِ» (ابن بابویه، ۱۳۶۱، ص ۱۱۴). این روایت در «العین» نیز نقل شده است: «و في الحديث: أن رجلا قال: يا نبيء الله، فقال النبي صلى الله عليه و آله و سلم: لا تنبر باسمي» (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۲۶۹) در اینجا جمله «لا تنبر باسمي» از ابتدا به آخر روایت منتقل و جابجا شده است (در العین «لاتنبر» با حرف راء) ثبت شده است. نمونه‌های جابجایی: ج ۲، ص ۹۷ و ۱۳۸ و ج ۷، ص ۳۵۷.

۴-۱-۳- حذف و اضافه

الف: در ذیل آیه: ﴿وَ اتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَ لَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَ لَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَ لَا هُمْ يُنصَرُونَ﴾ (بقره: ۴۸ / ۲)، شیخ طوسی پس از واژه شناسی و بحث درباره شفاعت پیامبر (ص)، این روایت را نقل کرده است: «رَوَى مِنْ قَوْلِهِ (ع): اَدَّخَرْتُ شَفَاعَتِي لِأَهْلِ الْكِبَائِرِ مِنْ أُمَّتِي» (طوسی، بی تا، ج ۱، ص ۲۱۳). این روایت در مصادر عامه از جمله در «جامع البیان» ذیل همین آیه نقل شده است: «عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص) أَنَّهُ قَالَ: شَفَاعَتِي لِأَهْلِ الْكِبَائِرِ مِنْ أُمَّتِي» (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۱۲) و در مصادر شیعه: «إِنَّمَا شَفَاعَتِي لِأَهْلِ الْكِبَائِرِ مِنْ أُمَّتِي» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۵۷۴). در اینجا شیخ طوسی واژه «ادخرت» را به ابتدای روایت افزوده است.

ب: در ذیل آیه: ﴿قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾ (یوسف: ۹۸/۱۲) با توجه به واژه «سوف» که از ادات استقبال است، شیخ طوسی به طلب مغفرت یعقوب (ع) برای فرزندان در آینده، اشاره و این روایت را نقل کرده است: «روى عن أبي جعفر (ع) انه قال: أخرهم الى ليلة الجمعة» (طوسی، بی تا، ج ۶، ص ۹۵). این روایت با اضافه شدن واژه «السَّحَرِ» نقل شده و شیخ طوسی این واژه را حذف کرده است: «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي قَوْلِهِ: ﴿أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي﴾ قَالَ: أَخْرَجَهَا إِلَى السَّحَرِ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۹۶). اشاره به وقت سحر در اقوال تفسیر طبری نیز آمده است (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۳، ص ۴۲). نمونه‌های بیشتر حذف و اضافه: ج ۳، ص ۳۱۳ و ج ۵، صص ۶۸ و ۳۰۰ و ج ۶، ص ۲۸۴ و ج ۷، ص ۴۵۴ و ج ۹، ص ۱۳.

۴-۲- نقل به معنا در سطح جملات

نزد دانشمندان علم حدیث، روایتی که نقل به معنای کمتری در آن روی داده باشد، اعتبار بیشتری دارد. بالتبع، این امر در سطح واژگان نسبت به سطح جمله پذیرفته‌تر است، زیرا متن روایت دچار تغییر کمتری شده است و به روایت اصلی صادر شده از معصوم (ع) شباهت بیشتری دارد و مخاطبان را به معنا و مفهوم مدنظر آنها نزدیک‌تر می‌سازد، اما نقل به معنا در «التبیان» علاوه بر واژگان به سطح جملات کشیده شده و نمونه‌های زیادی از آن روی داده است.

۴-۲-۱- جایگزینی جمله مترادف

الف: در تفسیر آیه: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا...﴾ (نساء: ۵۸/۴) شیخ طوسی ضمن نقل اقوال مفسران می‌نویسد: «إِنَّ الْمُرَادَ بِهِ وُلاةُ الْأَمْرِ وَهُوَ اخْتِيَاؤُ الْجُبَانِي وَرَوَى ذَلِكَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ أَيْضاً وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) وَقَالُوا: أَمَرَ اللَّهُ الْأَنْمَةَ كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ أَنْ يُسَلِّمَ الْأَمْرَ إِلَىٰ مَنْ بَعْدَهُ» (طوسی، بی تا، ج ۳، ص ۲۳۴). این روایت در مصادر اولیه اینگونه نقل شده است: «عن الْمُعَلَّى بْنِ حُنَيْسٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا قَالَ أَمَرَ اللَّهُ الْإِمَامَ الْأَوَّلَ أَنْ يَدْفَعَ إِلَىٰ الْإِمَامِ الَّذِي بَعْدَهُ كُلَّ شَيْءٍ عِنْدَهُ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۷۶/ صفار، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۴۷۶). با مقایسه دو روایت متوجه می‌شویم که نقل به معنا در این روایت، در جایگزینی جمله هم معنا رخ داده است. قابل ذکر است که شیخ طوسی سه مصداق برای ادای امانت در ذیل آیه نقل نموده و یکی از آنها تسلیم امر امامت به امام دیگر است و همین مصداق نیز با واژگان و تعابیر دیگر در روایات نقل شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۷۶).

ب: در تفسیر آیه: ﴿لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَّدْتُمُ الْأَيْمَانَ...﴾ (مائده: ۸۹/۵)، شیخ طوسی ابتدا سوگندهای بیهوده را تعریف کرده است، سپس برای نمونه لغویمین روایتی را نقل کرده است: «وَلَغْوُ الْيَمِينِ هُوَ الْحَلْفُ عَلَىٰ وَجْهِ الْغَلَطِ مِنْ غَيْرِ قَصْدٍ مِثْلُ قَوْلِ الْقَائِلِ: "لَا وَاللَّهِ" وَ "بَلَىٰ وَاللَّهِ" عَلَىٰ سَبْقِ اللِّسَانِ، وَ هَذَا هُوَ الْمَرْوِيُّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) (طوسی، بی تا، ج ۴، ص ۱۲). این روایت در مصادر متقدم اینگونه روایت شده است: «عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ

سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَوْلُ اللَّهِ: ﴿لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ﴾ قَالَ: هُوَ قَوْلُ الرَّجُلِ لَا وَاللَّهِ وَبَلَى وَاللَّهِ، وَلَا يَعْقِدُ قَلْبُهُ عَلَى شَيْءٍ» (عباشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۳۶/کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۴۴۳). با توجه به روایت عیاشی قسمت «و لغو الیمنین هو الحلف علی وجه الغلط من غیر قصد» تعریفی است که خود شیخ ارائه کرده است. در این روایت، واژه «القائل» جایگزین «الرجل» شده و شبه جمله «علی سبق اللسان» را جایگزین «لَا يَعْقِدُ قَلْبُهُ عَلَى شَيْءٍ» کرده است. (نمونه‌های بیشتر: طوسی، بی تا، ج ۲، ص ۱۰۲ و ج ۵، ص ۱۶۹ و ج ۱۰، ص ۱۶۲).

۴-۲-۲- حذف و اضافه کردن جملات

الف: در تفسیر آیه: ﴿فَلَمَّا آتَاهُمْ مِنْ فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُعْرِضُونَ﴾ (توبه: ۷۶/۹)، شیخ طوسی در شناخت صفات منافقین، این روایت را نقل کرده است: «قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَمْرٍو وَ الْحَسَنُ وَ مُحَمَّدٌ بْنُ كَعْبِ الْقُرْطَبِيِّ: يُعَرَّفُ الْمُنَافِقُ بِثَلَاثِ خِصَالٍ: إِذَا حَدَّثَ كَذِبًا، وَإِذَا وَعَدَ خَلْفًا وَإِذَا ائْتَمَنَ حَانَ» (طوسی، بی تا، ج ۵، ص ۲۵۵). این روایت در مصادر متقدم عامه و خاصه نقل شده است: «عَنْ قَتَادَةَ، عَنِ الْحَسَنِ أَنَّ النَّبِيَّ (ص) كَانَ يَقُولُ: ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ صَارَ مُنَافِقًا التَّفَاقُ وَإِنْ صَامَ وَصَلَّى وَزَعَمَ أَنَّهُ مُسْلِمٌ: إِذَا حَدَّثَ كَذِبًا، وَإِذَا أُتْمِنَ حَانَ، وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ» (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۰، ص ۱۳۲/طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۲، ص ۷۵) و در مصادر شیعه با اندکی اضافات آمده است. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۹۰) در روایت «التبیین»، علاوه بر جابجایی دو جمله پایانی روایت، جمله «إِنْ صَامَ وَصَلَّى وَزَعَمَ أَنَّهُ مُسْلِمٌ» حذف شده است. (نمونه‌های بیشتر حذف و اضافه جملات: ج ۳، ص ۲۰۶ و ج ۵، صص ۲۶۴-۲۹۵).

۴-۲-۳- جابجایی (تقدیم و تأخیر) جمله و عبارت

الف: در تفسیر آیه: ﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾ (بقره: ۳/۲)، شیخ طوسی در بررسی معنای ایمان، پس از ارائه تعریفی برای آن از نگاه فرق کلامی، این روایت را نقل کرده است: «(وَرُوِيَ عَنِ الرَّضَا (ع): إِنَّ الْإِيمَانَ هُوَ التَّصَدِيقُ بِالْقَلْبِ وَ الْعَمَلُ بِالْأَرْكَانِ وَ الْقَوْلُ بِاللِّسَانِ» (طوسی، بی تا، ج ۱، ص ۵۵). در مصادر متقدم، روایتی شبیه به این روایت نقل شده است: «... قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَا عَنْ أَبِيهِ مُوسَى عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ (ع) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): الْإِيمَانُ مَعْرِفَةٌ بِالْقَلْبِ وَ إِقْرَارٌ بِاللِّسَانِ وَ عَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۷۹). در اینجا با توجه به روایت شیخ صدوق، دو نقل به معنا صورت پذیرفته است: اول به جای واژه «معرفة» واژه «تصدیق» و به جای واژه «اقرار» واژه «قول» جایگزین شده و دوم، عبارت «العمل بالأركان» قبل از «القول باللسان» نقل شده است که نقل به معنا از نوع تقدیم و تأخیر است:

ب: ذیل آیه: ﴿لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ مَحِلُّهَا إِلَىٰ الْبَيْتِ الْعَتِيقِ﴾ (حج: ۳۳/۲۲) شیخ طوسی در تبیین معنای «منافع» پس از بیان اقوال مفسران، قولی را نقل نموده که آن را مروی از امام باقر (ع) هم می‌داند: «قِيلَ: مَنَافِعُهَا رُكُوبُ ظَهْرِهَا وَ شُرْبُ لَبَنِهَا إِذَا احْتَجَّ إِلَيْهَا وَ هُوَ الْمَرْوِيُّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع)» (طوسی، بی تا، ج ۷، ص ۳۱۴). این روایت در مصادر متقدم نقل شده است: «عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ

اللَّهِ (ع) فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى. قَالَ: «إِنَّ احْتِاجَ إِلَىٰ ظَهْرِهَا رَكِبَهَا مِنْ غَيْرِ أَنْ يَعْتَفَ عَلَيْهَا، وَإِنْ كَانَ لَهَا لَبَنٌ حَلَبَهَا حَلَابًا لَا يَنْهَكُهَا» (كليني، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۲۹۴ / ابن بابويه، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۵۰۴). در روایت «التبیان»، علاوه بر جایگزینی جملات اول، جمله «إِنَّ احْتِاجَ إِلَىٰ» نیز به ابتدای روایت منتقل و جابجا شده است. همچنین، دو جمله «مِنْ غَيْرِ أَنْ يَعْتَفَ عَلَيْهَا» و «لَا يَنْهَكُهَا» نیز حذف شده است.

۴-۳- نقل به معنا همراه با تقطیع

تقطیع یکی از پدیده‌های رخ داده در بیشتر مجموعه‌های روایی است. بیشتر حدیث پژوهان تقطیع را نیز مثل نقل به معنا با رعایت شروطی پذیرفته‌اند.^۱ تقطیع روایت در متون تخصصی مثل تفسیر، فقه، اخلاق و... به وقوع پیوسته است و نویسنده قسمتی از روایات را که مربوط به موضوع مورد اشاره اوست، در متن به کار می‌برد. شیخ طوسی نیز از این روش در نقل روایات استفاده کرده است (طوسی، بی تا، ج ۱، ص ۴۱۷ و ج ۳، ص ۱۱۳ و ج ۵، ص ۲۰۹ و...)، اما در تفسیر «التبیان» به روایاتی برمی‌خوریم که هر دو ویژگی تقطیع و نقل به معنا در آن وجود دارد، یعنی شیخ طوسی ابتدا قسمتی از روایت را انتخاب و از روایت اصلی جدا ساخته و این قسمت انتخابی خود نیز، دچار نقل به معنا شده است. این ویژگی در ابتدای امر، شناسایی روایت را پیچیده و سخت می‌سازد و فقط با جستجو و تطبیق روایت با مصادر متقدم قابل شناسایی است.

به عنوان نمونه، در آیه: ﴿وَضَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَأَنزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّٰ وَ السَّلْوٰی كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ مَا ظَلَمُونَا وَ لَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ﴾ (بقره: ۵۷ / ۲) سخن از اعطای نعمت‌های الهی همچون «الْمَنَّٰ وَ السَّلْوٰی» به بنی اسرائیل است. مفسران مباحثی را پیرامون چیهستی این نعمت‌ها مطرح کرده‌اند. شیخ طوسی پس از نقل اقوال در این موضوع، به روایتی اشاره نموده که زمان اعطای این نعمت‌ها را روشن می‌سازد: «وَرُوِيَ عَنِ الصَّادِقِ (ع) أَنَّهُ قَالَ: الْمَنَّٰ كَانَ يَنْزِلُ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ طُلُوعِ الْفَجْرِ الثَّانِي إِلَىٰ طُلُوعِ الشَّمْسِ فَمَنْ نَامَ ذَلِكَ الْوَقْتِ لَمْ يَنْزِلْ عَلَيْهِ نَصِيْبُهُ» (طوسی، بی تا، ج ۱، ص ۲۶۰). این روایت بخشی از یک روایت نقل شده در مصادر متقدم است که شیخ طوسی ابتدا آن را از وسط روایت اصلی تقطیع و همراه با نقل به معنا در جایگزینی واژگان نقل کرده است: «(وَ قَالَ (ع): نَوْمُ الْعِدَاةِ شَوْمٌ يَحْرِمُ الرِّزْقَ وَ يُصَفِّرُ اللَّوْنَ وَ كَانَ الْمَنَّٰ وَ السَّلْوٰی يَنْزِلُ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ مَا بَيْنَ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَىٰ طُلُوعِ الشَّمْسِ فَمَنْ نَامَ تِلْكَ السَّاعَةَ لَمْ يَنْزِلْ نَصِيْبُهُ فَكَانَ إِذَا انْتَبَهَ فَلَا يَرَىٰ نَصِيْبَهُ احْتِاجَ إِلَى السُّؤَالِ وَ الطَّلَبِ.» (ابن بابويه، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۵۰۳). شیخ طوسی خود نیز این روایت را به صورت کامل در «تهذیب الأحكام» نقل کرده است (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۳۹). در اینجا چند گونه نقل به معنا روی داده است. جایگزینی واژگان «من بعد» به جای «مابین» و «ذلک الوقت» به جای «تلک الساعه» و جابجایی «الْمَنَّٰ» و حذف «السَّلْوٰی» از این گونه‌ها است.^۲

۱. خطیب بغدادی، بی تا، ص ۱۹۳ / شهید ثانی، ۱۴۰۸، ص ۱۴۰۸، ص ۳۱۸ / مامقانی، ۱۴۲۸، ج ۲، ص ۲۹۹.

۲. نمونه‌های بیشتر: ج ۱، ص ۳۶۱ و ج ۲، ص ۴۵ و ج ۳، ص ۱۱۳، ۲۰۶ و ج ۵، ص ۱۶۹، ۲۹۴ و ج ۶، ص ۵۰۴، ۵۰۶، ۵۰۸ و ج ۸، ص ۳۱۳، ۳۴۸.

۴-۴- نقل به معنا در ترکیب و تداخل روایات

شیخ طوسی در راستای روش تفسیری خود، یعنی اختصار و خلاصه‌گویی (طوسی، بی تا، ج ۱، ص ۳) بسیاری از اقوال تفسیری و برخی روایات را در قالب یک قول یا روایت نقل می‌کند (همان، سراسر اثر). این ترکیب گاه با نقل به معنا همراه شده است. ترکیب روایات و اقوال تفسیری را می‌توان در نقل‌های «التبیان» از طبری مشاهده نمود، زیرا «جامع البیان» مجموعه‌ای از اقوال و روایات تفسیری است و شیخ طوسی در «التبیان» برای پرهیز از طولانی شدن بحث، در نقل این موارد از جمع اقوال مشابه استفاده کرده است. این موارد در جاهایی است که نام چندین نفر از صحابه و تابعین، در کنار هم ذکر شده است. شیخ طوسی قسمت‌هایی از اقوال را حذف و مطلب مشابه در همه اقوال را به همه آنها منتسب کرده است.

به عنوان نمونه، در ذیل آیه: ﴿إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نَكْفُرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ نُدْخِلْكُمْ مَدْخَلًا

كَرِيمًا﴾ (نساء: ۳۱/۴) شیخ طوسی در مشخص نمودن مصادیق گناهان کبیره می‌نویسد: «فَمِنَ الْمَعَاصِي الْمَقْطُوعِ عَلَى كَوْنِهَا كَبَائِرٌ: قَذْفُ الْمُحْصَنَاتِ، وَقَتْلُ النَّفْسِ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ، وَالزَّوْنَا، وَالزَّوْنَا، وَالرَّبَا، وَالْفِرَاؤُ مِنَ الرَّحْفِ فِي قَوْلِ ابْنِ عَبَّاسٍ، وَ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ، وَ الْحَسَنِ، وَ الضَّحَّاكِ، وَ مِثْلِهِ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)، وَ زَادَ: وَ عُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ، وَ الشُّرْكَ، وَ انْكَارُ الْوِلَايَةِ» (طوسی، بی تا، ج ۳، ص ۱۸۲). شیخ طوسی در اینجا ترکیبی از اقوال مفسران و امام ششم (ع) را نقل و در تکمیل آن، موارد خاص دیگری را فقط از روایت امام (ع) اضافه کرده است. قول تفسیری بالا در تفسیر طبری به صورت کلی بیان و مفسران مذکور به تک تک گناهان اشاره نکرده اند: «عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ كُلُّ مُوجِبَةٍ فِي الْقُرْآنِ كَبِيرَةٌ عَنْ سَالِمٍ أَنَّهُ سَمِعَ الْحَسَنَ، يَقُولُ: كُلُّ مُوجِبَةٍ فِي الْقُرْآنِ كَبِيرَةٌ. عَنِ الضَّحَّاكِ قَالَ: الْكَبَائِرُ كُلُّ مُوجِبَةٍ أَوْجَبَ اللَّهُ لِأَهْلِهَا النَّارَ» (طبری، ۱۴۱۲، ج ۵، صص ۲۷-۲۸). گناهانی که شیخ طوسی از قول این مفسران نقل کرده، از جمله مواردی است که در قرآن به عذاب آنها اشاره شده است. گناهان سه‌گانه اضافه شده از قسمت «و زاد» در انتهای روایت «التبیان» نیز، در این روایت نقل شده است: «عَنْ مُعَاذِ بْنِ كَثِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ يَا مُعَاذُ الْكَبَائِرُ سَعَعٌ فِينَا أَنْزَلْتُمْ وَمِنَّا اسْتُخِفَّتُمْ، وَ أَكْبُرُ الْكَبَائِرِ الشُّرْكَ بِاللَّهِ، وَ قَتْلُ النَّفْسِ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ وَ عُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ وَ قَذْفُ الْمُحْصَنَاتِ وَ أَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ، وَ الْفِرَاؤُ مِنَ الرَّحْفِ وَ انْكَارُ حَقِّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ...» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۳۷). در اینجا واژه «الولایه» جایگزین عبارت «حَقِّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ» شده است.^۱

۴-۵- ترکیب گونه‌های نقل به معنا در یک روایت

از دیگر ویژگی‌های نقل به معنا در تفسیر «التبیان»، گستردگی نقل به معنا در برخی روایات است. در این تفسیر، کمتر روایتی به چشم می‌خورد که در آن یک گونه نقل به معنا دیده شود. در برخی موارد، گونه‌های مختلف نقل به معنا را در یک روایت مشاهده می‌کنیم، امری که در بین روایات کتب روایی چندان رایج

۱. نمونه‌های بیشتر: ج ۱، صص ۳۳۰، ۴۴۸ و ج ۲، صص ۲۲۸، ۲۹۲ و ج ۴، ص ۱۶.

نیست و کمتر دیده می‌شود. همانطور که بیان شد، در هر یک از سؤالات اصحاب و درخواست نقل به معنا از اهل بیت (ع)، به یک نمونه از گونه‌های آن اشاره شده و به ترکیب آن‌ها اشاره نشده بود. در «التبیان» گاه چند گونه نقل به معنا در سطح واژه و گاه در ترکیب واژه و جمله روی داده است. برای مثال، جایگزینی با جابجایی و حذف و اضافه در سطح واژه، عبارت و جمله دیده می‌شود. در تفسیر آیه: ﴿يَسْتَأْذِنُكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (انفال: ۱/۸) شیخ طوسی پس از نقل اقوال مفسران در معنای «انفال»، این روایت را نقل کرده است: «رَوَى عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: أَنَّ الْأَنْفَالَ كُلُّ مَا أَخَذَ مِنْ دَارِ الْحَرْبِ بِغَيْرِ قِتَالٍ إِذَا انْجَلَى عَنْهَا أَهْلُهَا» (طوسی، بی تا، ج ۵، ص ۷۲). این روایت را عیاشی اینگونه نقل کرده است: «وَفِي رِوَايَةٍ زُرَّارَةَ عَنْهُ قَالَ هِيَ كُلُّ أَرْضٍ جَلَا أَهْلُهَا مِنْ غَيْرِ أَنْ يُحْمَلَ عَلَيْهَا خَيْلٌ وَلَا رِجَالٌ وَلَا رِكَابٌ، فَهِيَ نَفْلٌ لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۴۸). در روایت «التبیان» چند گونه نقل به معنا صورت گرفته است: جابجایی جمله «إِذَا انْجَلَى عَنْهَا أَهْلُهَا» با «هِيَ كُلُّ أَرْضٍ جَلَا أَهْلُهَا»، جایگزینی واژه «انجلی» با «جلا»، جایگزینی عبارت «بغیر قتال» با جمله «مِنْ غَيْرِ أَنْ يُحْمَلَ عَلَيْهَا خَيْلٌ وَلَا رِجَالٌ وَلَا رِكَابٌ» و حذف جمله «فَهِيَ نَفْلٌ لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ». شیخ طوسی خود، این روایت را شبیه روایت عیاشی در «تهذیب الأحكام» نقل کرده است (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۳۲).^۱

۴-۵-۱- اختصار جمله (اشاری) (گزارش روایی)^۲

یکی از دسته‌بندی‌های روایات «التبیان»، اشاره به روایات است. شیخ طوسی در برخی موارد، روایتی را در یک یا چند جمله کوتاه خلاصه کرده یا یکی از جملات کلیدی روایت را ذکر می‌کند. اینگونه روایات را نمی‌توان در دسته‌بندی‌های متداول نقل به معنا از نگاه حدیث پژوهان قرار داد. شیخ طوسی از یک طرف به گونه‌ای به روایت اشاره کرده و گزارشی از وجود چنین روایتی داده است. بویژه، اینکه نام امام معصوم (ع) را در صدر یا ذیل روایت ذکر کرده است. از طرف دیگر، همه واژگان یا جملات گزارش روایی، همان واژگان و جملاتی که عیناً در مصادر متقدم نقل شده، نیست، اما با واژگان و جملات مترادف دیگر، همان معنا و مفهوم مورد نظر در روایت مصادر متقدم را به ذهن متبادر می‌کند. به نظر می‌رسد، می‌توان این موارد را نقل به معنا به صورت گزارش روایی یا اختصار روایت محسوب کنیم. موارد ذیل نمونه‌هایی از این قسم است:

الف: ذیل آیه: ﴿وَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً مَا أَلْفَتْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ (انفال: ۶۳/۸) شیخ طوسی در تبیین معنای «وَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ» اینگونه آورده است: «الْمُرَادُ بِالْمُؤْمِنِينَ الْأَنْصَارُ وَ بِتَأْلِيفِ قُلُوبِهِمْ مَا كَانَ بَيْنَ الْأَوْسِ وَ الْخَزْرَجِ مِنَ الْعَدَاوَةِ وَ الْقِتَالِ، هَذَا قَوْلُ أَبِي جَعْفَرٍ (ع)» (طوسی، بی تا، ج ۵، ص ۱۵۱). این روایت در مصادر متقدم اینگونه نقل شده است: «وَفِي

۱. نمونه‌های بیشتر: ج ۱، ص ۱۳۶ و ج ۲، ص ۸۶، ج ۴، ص ۱۷۷ و ج ۵، صص ۶۳ و ۲۰۶.

۲. به نظر می‌رسد، گزارش روایی، یک یا چند جمله کوتاه از خود روایت یا هم معنا با جمله‌های روایت است که مقصود اصلی روایت را بیان می‌کند.

رَوَايَةُ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: إِنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ كَانُوا مَعَهُ مِنْ فُرَيْشٍ فَقَالَ اللَّهُ «فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي أَيْدِكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ وَالْأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ» إِلَى آخِرِ الْآيَةِ فَهُمْ الْأَنْصَارُ كَانَ بَيْنَ الْأَوْسِ وَالْحَزْرَجِ حَرْبٌ شَدِيدٌ وَعَدَاوَةٌ فِي الْجَاهِلِيَّةِ فَأَلْفَ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَنَصَرَ بِهِمْ نَبِيَّهُ (ص) فَالَّذِينَ أَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ هُمُ الْأَنْصَارُ خَاصَّةً» (قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۷۹). در واقع، شیخ طوسی روایت قمی را در قالب یک گزارش روایی مختصر نقل به معنا کرده و به جای نقل کامل روایت، به جملات اصلی این واقعه بسنده کرده است.

ب: ذیل آیه: ﴿لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لِمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ﴾ (توبه: ۱۰۸/۹) شیخ طوسی در تفسیر فراز «يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا» به یکی از اقوال تفسیری اشاره نموده است و آن را مروی از امام پنجم و ششم (ع) دانسته است: «وَقِيلَ: يَتَطَهَّرُونَ بِالْمَاءِ مِنَ الْغَائِطِ وَ الْبَوْلِ، وَ هُوَ الْمَرْوِيُّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ» (طوسی، بی تا، ج ۵، ص ۳۰۰). مضمون این روایت در اقوال تفسیری از پیامبر (ص) نقل شده است (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۱، ص ۲۲). اشاره «التبیین» به روایت ذیل است که در مصادر متقدم اینگونه آمده است: «وَفِي رَوَايَةِ ابْنِ سِنَانَ عَنْهُ قَالَ قُلْتُ لَهُ: مَا ذَلِكَ الطُّهْرُ قَالَ: نُظْفُ الْوُضُوءِ - إِذَا خَرَجَ أَحَدُهُمْ مِنَ الْغَائِطِ - فَمَدَحَهُمُ اللَّهُ بِتَطَهُّرِهِمْ» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۱۲). در روایت «التبیین» چهار جمله روایت تفسیر عیاشی در یک جمله خلاصه و گزارش روایی شده است.^۱

در بررسی روایات جلد ۲۱ «التبیین» از مجموع ۲۱۹ روایت نقل شده آمار کلی روایات نقل به معنا به شرح جدول ذیل به دست آمده است:

تعداد کل	روایات پیامبر	روایات امام	جمع روایات	نقل به معنا در هر جلد	بدون نقل به معنا
جلد ۱	۳۸	۳۰	۶۸	۹+۱۱=۲۰	۴۸
جلد ۲	۳۸	۱۱۳	۱۵۱	۲۳+۸=۳۱	۱۲۰
مجموع	۷۶	۱۴۳	۲۱۹	۵۱	۱۶۸
درصد	%۳۵	%۶۵	%۱۰۰	%۲۳	%۷۷

با توجه به آمار جدول فوق، حدود یک چهارم روایات «التبیین» در دو جلد اول و دوم نقل به معنا پیدا کرده‌اند.

نتیجه‌گیری

۱. در روایات تفسیری نقل شده در «التبیین»، باید احتمال نقل به معنا را به عنوان احتمالی جدی و قابل اعتنا در نظر گرفت؛
۲. انواع گونه‌های انفرادی نقل به معنا و موارد خاص آن همچون ترکیب گونه‌ها، نقل به معنا همراه با تقطیع و اختصار در «التبیین» مشاهده می‌شود؛

۱. نمونه‌های بیشتر: ج ۲، صص ۳۸۲، ۵۹۴؛ گزارش روایی با تقطیع: ج ۴، صص ۱۷۵، ۳۰۴، ج ۵، ص ۲۰۹.

۳. روایات نقل به معنا شده در «التبیان» دو دسته‌اند: برخی از ابتدا نقل به معنا شده و به «التبیان» راه یافته‌اند، مانند روایات «المصاییح» و برخی نیز توسط خود شیخ نقل به معنا شده‌اند؛
۴. بیشتر روایات «التبیان» در مصادر متقدم قابل جستجو و استخراج و بازیابی است. در بررسی اعتماد به روایات نقل به معنا شده، این دسته از روایات، مستند و قابل اعتماد می‌باشد؛
۵. آن دسته از روایاتی که مصادر آنها مفقود شده یا از بین رفته است، قابل اعتماد نیستند. البته، با توجه به روش شیخ طوسی در نقل روایات از مصادر، می‌توان به این دسته روایات اعتماد نسبی داشت؛
۶. روایاتی که در آنها نقل به معنای زیاد (ترکیب گونه‌ها و موارد خاص) وجود دارد، مخاطب را در رسیدن به اصل روایت و فهم معنای اصلی روایات سرگردان می‌کند و بدون توجه به اصل روایات در مصادر متقدم موجب اخلال در معنا شده است.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم:

۱. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد؛ **تفسیر القرآن العظیم**؛ ریاض: مكتبة نزار مصطفى الباز، ۱۴۱۹ق.
۲. ابن الأثیر، عز الدین أبو الحسن علی بن ابی الکریم؛ **الکامل فی التاریخ**؛ بیروت: دار صادر، ۱۳۸۵ق.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی؛ **الخصال**؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲ش.
۴. _____؛ **عیون أخبار الرضا علیه السلام**؛ تهران: جهان، ۱۳۷۸ق.
۵. _____؛ **معانی الأخبار**؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱ش.
۶. _____؛ **من لا یحضره الفقیه**؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
۷. ابن حنبل، احمد بن محمد؛ **مسند الإمام أحمد بن حنبل**؛ بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۶ق.
۸. ابن الصلاح، أبو عمرو عثمان بن عبد الرحمن؛ **معرفة أنواع علوم الحديث**؛ لبنان: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۳ق.
۹. امامی، روناک؛ نریمان، زهره؛ فرجامی، اعظم؛ «مصدریابی روایات تفسیر التبیان با تطبیق بر منابع شیعه و سنی»؛ پژوهش های قرآن و حدیث؛ سال ۵۲؛ ش ۱؛ ۱۳۹۸ش.
۱۰. _____، «مصادر مشترک روایات تفسیر التبیان»؛ احسن الحدیث؛ ش ۶، ۱۳۹۷ش.
۱۱. بحرانی، هاشم بن سلیمان؛ **البرهان فی تفسیر القرآن**؛ قم: مؤسسة البعثة، ۱۴۱۵ق.
۱۲. برقی، احمد بن محمد بن خالد؛ **المحاسن**؛ قم: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ق.
۱۳. پاکتنجی، احمد؛ **فقه الحديث (مباحث نقل به معنا)**؛ تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۴ش.
۱۴. جصاص، احمد بن علی؛ **احکام القرآن (جصاص)**؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
۱۵. حسینی الجلالی، سید محمد رضا؛ **تدوین السنة الشریفة**؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه، ۱۴۱۸ق.
۱۶. خطیب بغدادی، أبو بکر أحمد بن علی؛ **الکفاية فی علم الرواية**؛ مدینه: المكتبة العلمیة، بی تا.
۱۷. دلبری، سید علی؛ «آسیب نقل به معنادر حدیث، عوامل و پیامدها»؛ مجله علوم قرآن و حدیث، ش ۸۴، ۱۳۸۹ش.
۱۸. سیوطی، جلال الدین عبد الرحمن بن أبی بکر؛ **تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی**؛ ریاض: دار طیبیة، بی تا.
۱۹. شریف الرضی، محمد بن حسین؛ **نهج البلاغة**؛ تحقیق: صبحی صالح؛ قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
۲۰. شهید ثانی، زین الدین بن علی؛ **الرعاية فی علم الدراية**؛ تحقیق: عبدالحسین محمدعلی بقال، قم: مکتبة آية الله المرعشي، ۱۴۰۸ق.
۲۱. صفار، محمد بن حسن؛ **بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم**؛ قم: مکتبة آية الله المرعشي النجفی، ۱۴۰۴ق.
۲۲. طبرانی، سلیمان بن احمد؛ **التفسیر الكبير: تفسیر القرآن العظیم**؛ اربد: دار الکتب الثقافی، ۲۰۰۸م.
۲۳. طبری، محمد بن جریر؛ **جامع البیان فی تفسیر القرآن**؛ بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۲ق.
۲۴. طبرسی، فضل بن حسن؛ **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**؛ تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۲۵. طوسی، محمد بن حسن؛ **التبیان فی تفسیر القرآن**؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی تا.
۲۶. _____؛ **تهذیب الأحکام**؛ تحقیق: حسن خراسان، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۴۰۷ق.
۲۷. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه؛ **تفسیر نور الثقلین**؛ قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.

۲۸. علم الهدی، علی بن الحسین؛ *تفسیر الشریف المرتضی (نفائس التأویل)*؛ بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۳۱ق.
۲۹. عیاشی، محمد بن مسعود؛ *التفسیر*؛ تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه، ۱۳۸۰ق.
۳۰. فراهیدی، خلیل بن أحمد؛ *کتاب العین*؛ قم: نشر هجرت، ۱۴۰۹ق.
۳۱. قمی، علی بن ابراهیم؛ *تفسیر القمی*؛ قم: دارالکتاب، ۱۴۰۴ق.
۳۲. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا؛ *کنز الدقائق و بحر الغرائب*؛ تهران: سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۶۸ش.
۳۳. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی؛ *تفسیر الصافی*؛ تهران: مکتبه الصدر، ۱۴۱۵ق.
۳۴. کلینی، محمد بن یعقوب؛ *الکافی*؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۳۵. کریمی نیا، مرتضی؛ «*وزیر مغربی و روش شناسی المصابیح فی تفسیر القرآن*»؛ رساله دکتری، رشته علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه تهران، ۱۳۹۴ش.
۳۶. مامقانی، شیخ عبدالله؛ *مقیاس الهدایه فی علم الرایه*؛ قم: دلیل ما، ۱۴۲۸ق.
۳۷. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی؛ *بحار الأنوار*؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۳۸. متقی هندی، علاء الدین علی بن حسام الدین، *کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال*؛ بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۱ق.
۳۹. مهریزی، مهدی؛ «نقل به معنا»؛ مجله علوم قرآن و حدیث، ش ۲، ۱۳۷۵ش.
۴۰. نجاشی، احمد بن علی؛ *رجال النجاشی*؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۵ش.
۴۱. وزیرمغربی، حسین بن علی؛ *المصابیح فی تفسیر القرآن العظیم*؛ تحقیق: الزهرانی، عبدالکریم بن صالح، جامعه ام القرى، ۱۴۲۱ق.
۴۲. هلابو عباد، رباب؛ «*بررسی و نقد روایات اسباب نزول در تفسیر التبیین فی تفسیر القرآن*»؛ استاد راهنما: زهره نریمانی؛ دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم کرمانشاه؛ ۱۳۹۴ش.